

ای مسلمانان: یهودیان قومی دروغ گو، خائن و بدطینت هستند که تنها یک خندق جدید می‌تواند ریشه‌های آنان را بر کند و خیر باید باز کرده تا آنان را در هم بکوبد، همان گونه که قوم نمود را نابود کرد. این، سرنوشت آنان از زمانی است که پیمان خود را با خداوند شکستند و از عهد پیمانشان روی گرداندند، و برایشان چیزی جز وابستگی به مردم باقی نماند، که این نیز ریسمانی سست و شکننده است. اگر آنان سپاه مسلمانان را ببینند که از پشت و رویه رو بی آنان می‌جنگند، خداوند وعده داده است که «وَقَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ». و در آن هنگام، سرزمین مبارک فلسطین دوباره به دارالاسلام باز خواهد گشت، همان گونه که عمر بن خطاب آن را فتح کرد، صلاح‌الدین ایوبی آن را آزاد ساخت، و سلطان عبدالحمید دوم از آن پاسداری کرد. «وَيَوْمَئِذٍ يُسْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ».



در این شماره می‌خوانید:

تحریمات متقابل بین آمریکا و چین به کجا خواهد انجامید؟...

اهل فلسطین بین آرواره تشکیلات خودگردان و چکش اشغالگران...

چرا ترامپ دوباره جنبش انصارالله را به‌عنوان یک گروه تروریستی طبقه‌بندی کرد؟...

مدیریت جدید سوریه: بین استقلال تصمیم‌گیری و خطر تسلیم در برابر دیکته‌های خارجی...

زن، ستون حمایت از اسلام و وظیفه‌اش امروز همانند گذشته... ۴

چهارشنبه ۲۹ رجب ۱۴۴۶ هـ. ق، ۲۹ ژانویه ۲۰۲۵ م، ۱۰ بهمن ۱۴۰۳ هـ. ش

الرائد الذي لا يكذب أهله

شماره: ۵۳۲ تعداد صفحات: ۴

مقاله برگزیده

غرب صلیبی از حزب التحریر هراس دارد و از خلافت وحشت می‌کند

استاد عبدالله حسین (ابو محمد الفاتح)

قرار بود در ۱۸ ژانویه جاری، اجلاس سالانه خلافت در شهر میسیساگا در مجاورت تورنتو کانادا برگزار شود؛ اما دولت کانادا، با همکاری آمریکا، قوانین خود را زیر پا گذاشت و ارزش‌هایی که همیشه به آن‌ها افتخار می‌کرد (مانند حق مردم برای برگزاری فعالیت‌های فکری یا فرهنگی، آزادی بیان و آزادی عقیده) را نادیده گرفت. آن‌ها از طریق یک کارزار رسانه‌ای و غوغایی تلاش کردند برگزارکنندگان این اجلاس را از ادامه کار منصرف کنند. این کارزار شامل تحریک مراکز و مکان‌های عمومی برای نیذیرفتن زروهای مربوط به این اجلاس بود. در این میان، یک بیانیه مشترک از سوی دیویید جی. مک‌گنتی، وزیر امنیت عمومی کانادا و راشل بندیان، معاون وزیر امنیت عمومی، منتشر شد که شامل اطلاعات نادرست و اتهامات دروغین بود. هدف از این بیانیه، توجیه اقدامات تحریک‌آمیز آن‌ها علیه حزب‌التحریر برای جلوگیری از برگزاری اجلاس بود. از جمله، در این بیانیه آمده است: «گزارش‌ها درباره اجلاس آتی حزب التحریر که قرار است در ۱۸ ژانویه ۲۰۲۵ در همیلتون، انتاریو برگزار شود، بسیار نگران‌کننده است. حزب‌التحریر پیشینه‌ای مستند در تحریک به خشونت، ترویج ایدئولوژی افراطی و یهودی‌ستیزی دارد. جشن گرفتن حملات به غیرنظامیان بی‌گناه، از جمله قربانیان حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و حمایت از گروه‌های تروریستی ممنوعه‌ای مانند حماس و حزب‌الله، کاملاً با ارزش‌های کانادایی نظیر صلح، همکاری و احترام به تنوع مغایرت دارد. ما فعالیت‌های آن‌ها و برگزاری این اجلاس را بی‌هیچ ابهامی محکوم می‌کنیم و از برگزارکنندگان می‌خواهیم که زرو خود را لغو کنند. افزون بر این، تأیید می‌کنیم که نهادهای امنیتی و اطلاعاتی ما در حال ارزیابی حزب‌التحریر برای درج آن به‌عنوان یک نهاد تروریستی تحت قوانین کانادایی هستند.»

در همین راستا، ایلان ماسک، مالک شرکت معروف تسلا که دونالد ترامپ او را برای هدایت یک بخش جدید در دولت آینده خود (بخش کارآمدی دولت - دوج) منصوب کرده، توییتی را بازنشر کرد که در آن گفته شده بود: «اسلام‌گرایان قرار است اجلاس در ۱۸ ژانویه در میسیساگا کانادا برگزار کنند که در آن درباره چگونگی شکست همه کشورهای غیرمسلمان و ایجاد خلافت جهانی صحبت خواهند کرد. سازمانی که پشت این رویداد قرار دارد (حزب‌التحریر) در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک گروه تروریستی طبقه‌بندی شده است.» همچنین، وبسایت «اسرائیل الآن» نظر خود را به این صورت منتشر کرد: «اجلاس حزب‌التحریر اسلامی از میسیساگا به همیلتون منتقل شده است و اسرائیل الآن تلاش خواهد کرد این اجلاس که به‌مثابه اعلام جنگ علیه تمدن غربی است را متوقف کند.»

غرب صلیبی همواره کینه خود را نسبت به اسلام و حاملان دعوت آن آشکار کرده و از بازگشت اسلام به عرصه سیاست وحشت دارد؛ به‌ویژه زمانی که این حرکت‌ها جدی و در مسیر صحیح باشد، همان‌طور که حزب‌التحریر از آغاز خود چنین کرده است. این حزب شب و روز برای اهداف خود تلاش کرده، هیچ‌گاه از راه خود منحرف نشده و به‌ویژه در ماه رجب فعالیت‌های خود را با یک کارزار گسترده و اقدامات عظیم شدت می‌بخشد. این فعالیت‌ها مسلمانان را به یاد سقوط خلافت می‌اندازد، از زبان‌هایی که در همه زمینه‌ها بر آن‌ها وارد شده است سخن می‌گوید و لزوم تلاش برای برپایی دوباره آن را یادآور می‌شود.

این ماه، ۱۰۴ سال از سقوط خلافت که در ۲۸ رجب ۱۳۴۲ هجری قمری (۳ مارس ۱۹۲۴ میلادی) رخ داد، گذشته است. یکی از رهبران اسلامی در خارطوم، در یک مراسم ماه رجب در تالار شهید الزبیر محمد صالح، فعالیت‌های حزب را در مساجد، بازارها، میدان‌های عمومی و رسانه‌ها برای یادآوری رویدادهای مهم رجب و سقوط خلافت، به‌گونه‌ای توصیف کرده است که «می‌توانستیم این ماه را (رجب حزب‌التحریر) بنامیم». این اقدامات و فعالیت‌ها موجب خوشحالی و امید در امت می‌شود، اما در عین حال، غرب صلیبی، رژیم یهود، رژیم‌های مزدور منطقه و عواملشان را به وحشت می‌اندازد.

ادامه صفحه ۳

تغییرات سیاسی جدید در لبنان

عالم گران قدر عطاء بن خلیل ابوالرشته



سوال: روزنامه العربی‌الجدید در تاریخ ۲۰۲۵/۱/۲۱ گزارش داد: «... نواف سلام پس از دیدار با رئیس‌جمهور جوزف عون در کاخ بعدا، شامگاه سمشنبه، درحالی‌که پرونده‌ای به رنگ سیاه در دست داشت، از کاخ خارج شد، بدون آنکه مشخص شود آیا فهرستی از اسامی یا ترکیب کابینه را ارائه کرده است یا نه...». این در حالی است که: «پس از بیش از دو سال خلا ریاست‌جمهوری به دلیل اختلافات سیاسی، مجلس لبنان در تاریخ ۲۰۲۵/۱/۹ جوزف عون را به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید کشور انتخاب کرد. چهار روز پس‌ازاین انتخاب، جوزف عون، نواف سلام را مأمور تشکیل دولت جدید لبنان کرد...» (الجزیره، ۲۰۲۵/۱/۲۰) سوال اینجاست که چطور پس از بیش از دو سال خلا ریاست‌جمهوری، ناگهان در تاریخ ۲۰۲۵/۱/۹ جوزف عون با توافقی سریع به‌عنوان رئیس‌جمهور لبنان منصوب شد و تنها چند روز بعد در ۲۰۲۵/۱/۱۳، نخست‌وزیری نواف سلام نیز به همین سرعت موردتوافق قرار گرفت؟ چگونه همه این تغییرات با این سرعت رخ داد؟ آیا این سرعت غیرمعمول نشانه‌ای از یک طرح از پیش برنامه‌ریزی شده برای تغییر وضعی داخلی و خارجی لبنان است؟ یا اینکه چنین تغییراتی در منطقه امری طبیعی محسوب می‌شود؟

پاسخ: برای درک بهتر پاسخ این سوالات، باید به نکات زیر توجه کرد:
اول: تحولات بزرگ سیاسی در منطقه و جهان عامل اصلی این تغییرات سریع در لبنان بود. در نتیجه، جوزف عون به‌عنوان رئیس‌جمهور لبنان انتخاب شد و نواف سلام مأمور تشکیل دولت گردید. برای توضیح آن موارد زیر را بیان می‌کنیم:
۱- پس از ترور برخی از فرماندهان حزب‌الله توسط اسرائیل و پیش از اعلام آتش‌بس، در لبنان درخواست‌هایی برای انتخاب رئیس‌جمهور و پایان دادن به خلا سیاسی مطرح شد. این درخواست‌ها عمدتاً از سوی مخالفان حزب‌الله، از جمله حزب سمیر جعجع، مطرح شد. جعجع که مخالفت خود را با حمایت از غزه در جنگ اعلام کرده بود، از این فرصت برای فشار بر موضوع انتخاب رئیس‌جمهور استفاده کرد. این تلاش‌ها با هماهنگی فرستادگان اروپایی که در کنار آموس هوکستین، نماینده آمریکا، در لبنان فعال بودند، صورت گرفت. حزب‌الله اما این فشارها را با تردید و مخالفت دنبال می‌کرد.
۲- پس از ۱۲ جلسه ناموفق مجلس در دو سال گذشته برای انتخاب رئیس‌جمهور ناگهان توافقی بین

حزب التحریر شما مسلمانان را فرامی‌خواند که از آن حمایت کرده و برای بازگشت خلافت راشده تلاش کنید

ای مسلمانان، در کتاب خداوند متعال و سنت پیامبر ﷺ راه‌حلی برای مشکلات ما و عزتی برای اهل ایمان و خواری برای دشمنان ما وجود دارد. این راه‌حل روشن است؛ که حق را نمایان می‌کند و اهل حق را عزت می‌بخشد و باطل را نابود کرده و اهل باطل را ذلیل می‌سازد. این راه‌حل بازگشت خلافت راشده اسلامی است که به رهبری فردی پرهیزگار و پاک می‌باشد، کسی که پشت سر او می‌جنگند و به او پناه می‌برند. او زمین اسرا و معراج را آزاد و محترم می‌سازد و یهود و هر متعدی را به جهنمی سوزان از ذلت دنیا و عذاب آخرت می‌فرستد. این امر به مشیت خداوند متعال رخ خواهد داد، ای مسلمانان، پس از این حکومت جبری که در آن زندگی می‌کنیم. احمد بن حنبل از حذیفه نقل کرده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «آنگاه حکومت جبری برپا می‌شود که آنچه خدا خواهد خواهد بود، سپس آن را زمانی که بخواهد از میان ببرد و سپس خلافتی بر منبج نبوت خواهد آمد». همچنین مسلم از نافع نقل کرده است که ابن عمر از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند: «حتماً با یهود خواهید جنگید و آن‌ها را خواهید کشت؛ اما سنت خداوند ایجاد کرده است که فرشتگان از آسمان برای ما خلافتی ایجاد نخواهند کرد که ما بدون تلاش و جنگ تنها بنشینیم و دشمنانمان شکست بخورند، بلکه فرشتگانش به یاری ما خواهند آمد و بشارت پیروزی را به مردانی خواهند داد که به پروردگارش ایمان دارند و در جهاد مبرم می‌روند و تحت رهبری امام خود به جهاد می‌روند و دشمنان را از پا درمی‌آورند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «بَلَىٰ إِن تَضَرَّوْا وَتَنَقَّوْا وَآتَاكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا نُبَدِّلُكُمْ بِرُجْمٍ بَخْسِةٍ أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُّؤْمِنِينَ». سپس از آن‌پس ما از کسانی خواهیم بود که بشارت پیروزی را دریافت می‌کنیم: «نُصِّرُ مَنْ أَلَّهَ وَفَتَحَ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ». ای مسلمانان، حزب تحریر که پیشگام در این مسیر است و اهل آن دروغ نمی‌گویند، شما را به پشتیبانی و همکاری برای بازگرداندن خلافت راشده فرامی‌خواند تا اسلام و اهل آن عزت یابند و کفر و اهل آن ذلیل شوند. این همان پیروزی عظیم است که خداوند در قرآن فرموده: «إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَلَّذِكْرِ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ».

ادامه صفحه ۳

ای مسلمانان، به طور عام و ای اهل شام، به‌طور خاص

ای مسلمانان، به‌طور عام و ای اهل شام، به‌طور خاص این نظام جدید در سوریه، به رهبری الجولانی، به‌طور مستقیم به رژیم ترکیه وابسته است که خود در مدار آمریکا حرکت می‌کند. اگر گمان کند که با خشنود کردن آمریکا از طریق اجرای نظام سکولار، مبارزه با خلافت و مخالفان آن، بستن زندان‌ها برای جوانان حزب‌التحریر - کسانی که برای برپایی حکم خداوند در زمین و خلافت راشده فعالیت می‌کنند - می‌تواند جایگاهش را حفظ کند، در اشتباه است. مگر اینکه به خدمتگزاری خود ادامه دهد. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم به ما خبر داده است که صاحب چنین گمانی، زیانکار خواهد بود، چنانچه در حدیثی که ابن حبان در صحیح خود از قاسم عن عائشة ام‌المؤمنین رضی‌الله‌عنها نقل کرده آمده است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «کسی که خدا را به بهای خشم مردم راضی کند، خداوند او را کفایت می‌کند و کسی که خدا را با خشنود کردن مردم به خشم آورد، خداوند او را به مردم وامی‌گذارد». نگاهی به سرنوشت کسانی که به مستعمران کافر و پپروانشان روی آورده‌اند، نشان می‌دهد که آن‌ها چگونه دچار زیان شده‌اند. این درسی است برای کسانی که قلبی دارند یا گوش فرا می‌دهند و خود شاهدند: «إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَلَّذِكْرِ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ»

ای مسلمانان، به‌طور عام و ای اهل شام، به‌طور خاص: تنها نظامی که خداوند متعال آن را واجب کرده و پیامبرش آن را اجرا کرده و خلایق را شادین نیز به آن پایبند بودند، حکم بر اساس آنچه خدا نازل کرده است؛ به‌صورت پاک و بی‌آلایش، بدون آمیخته شدن با نظام‌های دیگر، نه ترکیب خیر و شر و نه اجرای بخشی از اسلام و بخشی از سکولاریسم، بلکه حکومتی بر اساس نظام خلافت راشده، بدون تقسیم و تجزیه: «وَأَنَّ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ»

شما فداکاری‌های زیادی کردید، رنج‌های بسیاری کشیدید و تعداد زیادی از شما شهید شدند و بسیاری زخمی شدند. این فداکاری‌ها باید برای برپایی حکم خدا در زمین و خلافت راشده باشد، نه برای جایگزینی یک نظام سکولار با نظام سکولار دیگری، حتی اگر نام‌ها و عناوین متفاوت باشند. در این صورت، فداکاری‌های شما به نوری تبدیل می‌شود که شام را روشن می‌کند؛ اما اگر این فداکاری‌ها فقط برای تغییر یک نظام وضعی با نظام وضعی دیگری باشد، در آن صورت شما مانند کسی خواهید بود که پس از تلاش بسیار، بافته‌هایش را از هم می‌شکافد. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَقَتْ غَزَايَاهُمْ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا»

ای مسلمانان، به‌طور عام و ای اهل شام، به‌طور خاص: حزب‌التحریر که پیشرو و راستگو است، به شما هشدار می‌دهد از دست‌های شیاطین آنس که می‌خواهند خون‌های شما هدر برود، به‌گونه‌ای که به خیر و صلاح خالص و پاکي برسید، یعنی حکم بر اساس آنچه خدا نازل کرده، بلکه به حکم وضعی دست‌یابید، آن‌ها به تغییر نام و عناوین، در چنین شرایطی، به‌جای اینکه به‌عنوان امتی که گفار از آن حساب ببرد، دوباره به‌عنوان تابعان مستعمران کافر و عواملشان ظاهر می‌شوید و این مصیبت و فاجعه‌ای است که به ذلت دنیا و عذاب آخرت می‌انجامد: «سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَفْكُرُونَ».

پس مراقب باشید که فداکاری‌های شما هدر نرود، به ویژه که شام باید پایگاه اسلام باشد، همان‌طور که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌والسالم به آن بشارت داده‌اند: «قرارگاه اسلام در شام است». (روایت طبرانی در المعجم الکبیر).

ادامه صفحه ۳

تحریم های متقابل بین آمریکا و چین به کجا خواهد انجامید؟

دکتر محمد جیلانی



در دوران نخست ریاست جمهوری دونالد ترامپ (۲۰۱۸-۲۰۲۲)، روابط چین و آمریکا دچار تنش قابل توجهی شد که به اشکال مختلفی ظاهر گردید. از جمله این تنشها، اصرار ترامپ بر نامگذاری ویروس کووید-۱۹ به عنوان ویروس چینی و متهم کردن چین به مسئولیت انتشار آن بود. همچنین، افزایش تنشها در تنگه تایوان که چین و تایوان را از یکدیگر جدا می کند و حدود ۱۱۰ کیلومتر امتداد دارد و نیز اعمال تعرفه های سنگین بر صادرات چین به آمریکا، از دیگر موارد این اختلافات بود؛ اما شاید مهم ترین نقطه تنش بین دو کشور، اتهام چین به آمریکا مبنی بر تلاش برای کشاندن این کشور به یک جنگ سرد جدید باشد. مقام های چینی بارها تأکید کردند که چین تمایلی به ورود به چنین درگیری ای ندارد. در همین راستا، شی جن پینگ، رئیس جمهور چین، در ۱۵ نوامبر ۲۰۲۲ طی سخنانی که توسط خبرگزاری رویترز منتشر شد، اظهار داشت: «ذهنیت جنگ سرد باید به پایان برسد و جهان نباید به هیچ وجه وارد یک جنگ سرد جدید شود.»

واقعیت این است که آمریکا، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مهم ترین شریکی را که به آن در گسترش نفوذ جهانی کمک می کرد از دست داد. با این تحول، آمریکا دلیل اصلی برای نگهداشتن اروپا تحت چتر خود را نیز به تدریج از دست می داد. به همین دلیل، واشنگتن شروع به جستجوی یک جایگزین دیگر برای حفظ هژمونی خود کرد، به ویژه برای مهار اروپا که یکی از مهم ترین متحدان آن محسوب می شود.

زمانی که ترامپ در سال ۲۰۱۸ به ریاست جمهوری آمریکا رسید، یکی از مهم ترین اولویت های بین المللی او این بود که چین را به یک بازیگر جهانی تبدیل کند که آمریکا بتواند از آن برای حفظ نفوذ جهانی خود استفاده کند. هدف اصلی از این سیاست، جلوگیری از خروج اروپا از دایره سلطه آمریکا بود. در آن زمان، اروپا گام های بزرگی به سوی استقلال از هیمنه آمریکا برداشته بود. اتحادیه اروپا تلاش می کرد وحدت خود را از طریق یک قانون اساسی مشترک و ایجاد نیروی امنیتی مستقل تکمیل کند و همچنین فاصله ی خود را از ناتو افزایش دهد.

با این حال، چین قاطعانه از مشارکت در ماجراجویی های آمریکا سرباز زد. این کشور پیش تر فروپاشی شوروی را دیده بود و مشاهده کرد که چگونه اتحاد جماهیر شوروی بدون کسب هیچ مزیتی از بازی جنگ سرد آمریکا، دچار فروپاشی شد. یکی از دلائل احتمالی حذف ترامپ پس از اولین دوره ریاست جمهوری اش، ناتوانی او در کشاندن چین به یک جنگ سرد بود. رئیس جمهور چین نیز، همان گونه که رویترز گزارش داد، سیاست کلی چین را بر دوری از درگیری های سیاسی و نظامی، به ویژه در منطقه آسیا-اقیانوسیه و در عرصه روابط بین الملل، متمرکز کرد. او تأکید داشت که پیشرفت چین در زمینه های فناوری و تجارت جهانی باید بدون دخالت در نزاع های ژئوپلیتیک حاصل شود.

در نتیجه، تحریم های متقابل بین دو کشور بخشی از تعاملات پیچیده ای است که آمریکا از آن استفاده خواهد کرد، یا برای اعمال فشار واقعی بر چین که در نهایت باعث عقب نشینی آن از جایگاه پیشرفته جهانی اش شود، یا برای رسیدن به توافق میان دو کشور که پیامدهای گسترده ای بر نظام بین المللی خواهد داشت. این توافق می تواند به شکل یک جنگ سرد جدید باشد که توانایی آمریکا را در حفظ منافع و سلطه اش بر بزرگترین رقبای واقعی خود در اروپا افزایش دهد.

نزاع دریاچه نیاسا در تانزانیای، پرده های از استعمار

اخیراً انتقادهای گسترده ای در مالوای نسبت به نقشه های جدیدی که تانزانیای منتشر کرده است، صورت گرفته که نشان می دهد مرز بین مالوای و تانزانیای در وسط دریاچه مالوای (نیاسا) قرار دارد.

تعلیق قبل از حمله استعمار غربی به قاره آفریقا و تقسیم آن، هیچ درگیری جدی میان دو کشور در مورد مالکیت این دریاچه وجود نداشت. مردم دو طرف دریاچه منابع آن را به طور صلح آمیز تقسیم می کردند؛ مانند ماهیگیری و آبیاری و غیره. با رسیدن استعمارگران در پایان قرن نوزدهم، بریتانیا مالوای را تصرف کرد و آلمان تانزانیای را گرفت. استعمارگران معاهده هلیگولاند-زنگبار را در سال ۱۸۹۰ امضا کردند که بر اساس آن مرز بین مستعمره نیاسالاند بریتانیا در آن زمان (مالوای) و آفریقای شرقی آلمان (تانزانیای) در امتداد سواحل دریاچه در تانزانیای تعیین شد. طبق این معاهده، کل دریاچه بخشی از مالوای شد؛ و این گونه استعمار مشکل را از ابتدا ایجاد کرد. بعد از استقلال ظاهری این دو کشور در دهه ۱۹۶۰، استعمارگران مدت زمان درگیری را از طریق معاهده قانون دریاهای سازمان ملل در سال ۱۹۸۲ که نیمه دریاچه را به عنوان مرز بین مالوای و تانزانیای می شناسد، طولانی تر کردند. مالوای این معاهده و اعلامیه قاهره را به چالش کشید و از پذیرش لغو معاهده هلیگولاند-زنگبار امتناع کرد. این موضوع موجب دامن زدن به درگیری های چند فرنی میان دو کشور شد و تمام تلاش های آفریقای برای پایان دادن به آن ناکام ماند که نشان می دهد آفریقا همچنان تحت استعمار غربی قرار دارد و این استعمار اجازه نمی دهد مردم آن امور خود را به دست خود اداره کنند و همیشه در انتظار تصمیمات آن هستند. حل بنیادی اختلافات مرزی به طور ریشه ای نیازمند از بین بردن کامل اصل سرمایه داری است که این درگیری ها را برای تسهیل بهره برداری از کشورها ایجاد کرده است. این امر تنها در سایه دولت خلافت ممکن است که کشورها و جهان اسلامی را از شر آن نجات خواهد داد.

اهل فلسطین بین آرواره تشکیلات خودگردان و چکش اشغالگران

استاد عامر علی ابو الریش - از سرزمین مبارک فلسطین -

در تاریخ سه شنبه ۲۱ ژانویه ۲۰۲۵، ارتش رژیم صهیونیستی عملیات نظامی گسترده ای در شهر جنین، اردوگاه آن و مناطق روستایی اطراف آن آغاز کرد. هدف اعلام شده این عملیات، «خنثی کردن فعالیت های تروریستی» بود و به این عملیات نام «دیوار آهنین» داده شد که یادآور عملیات گسترده ای است که در سال ۲۰۰۲ در کرانه باختری تحت عنوان «دیوار دفاعی» انجام شد. این سومین بار طی کمتر از دو سال است که ارتش رژیم صهیونیستی دست به چنین عملیات گسترده ای در جنین می زند. در ساعات اولیه این عملیات، ۱۰ مجاهد به شهادت رسیدند و ۴۰ نفر دیگر زخمی شدند. ارتش صهیونیستی از پهپادها برای بمباران خانه ها و خودروها استفاده کرد، محاصره کامل برقرار نمود، ده ها نفر را بازداشت کرد، هزاران تن از ساکنان را مجبور به ترک منازل خود نمود، زیرساخت ها را تخریب کرد و ده ها خانه را ویران ساخت.

در تاریخ سه شنبه ۲۱ ژانویه ۲۰۲۵، ارتش رژیم صهیونیستی عملیات نظامی گسترده ای در شهر جنین، اردوگاه آن و مناطق روستایی اطراف آن آغاز کرد. هدف اعلام شده این عملیات، «خنثی کردن فعالیت های تروریستی» بود و به این عملیات نام «دیوار آهنین» داده شد که یادآور عملیات گسترده ای است که در سال ۲۰۰۲ در کرانه باختری تحت عنوان «دیوار دفاعی» انجام شد. این سومین بار طی کمتر از دو سال است که ارتش رژیم صهیونیستی دست به چنین عملیات گسترده ای در جنین می زند. در ساعات اولیه این عملیات، ۱۰ مجاهد به شهادت رسیدند و ۴۰ نفر دیگر زخمی شدند. ارتش صهیونیستی از پهپادها برای بمباران خانه ها و خودروها استفاده کرد، محاصره کامل برقرار نمود، ده ها نفر را بازداشت کرد، هزاران تن از ساکنان را مجبور به ترک منازل خود نمود، زیرساخت ها را تخریب کرد و ده ها خانه را ویران ساخت.



این عملیات وسیع که جنایات رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان را متوقف نمی کند و کینه اش را از خون های آن ها سیر نمی کند، به دلائل مختلف از لحاظ زمان و شرایط برایمور آن قابل توجه است:

این که این عملیات بلافاصله پس از اعلام توافق موقت برای آتش بس در غزه و توافق تبادل اسرا آغاز شد، نشان می دهد که هدف از آن حفظ آبروی رژیم صهیونیستی است، پس از ناکامی در دستیابی به اهدافی که در غزه اعلام کرده بود، از جمله نابود کردن مجاهدین و بازگرداندن اسرا از طریق نیروی نظامی.

تحلیلگران بر این باورند که این عملیات تغییراتی در جهت گیری سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی پس از جنگ غزه و لبنان است، به طوری که پیش بینی می شود این روند مدت زمان طولانی تری ادامه یابد و مناطق دیگری در کرانه باختری را که ارتش این رژیم مرزهای آن را از هم جدا کرده، شامل شود. (الشرق الاوسط، ۲۱ ژانویه ۲۰۲۵)

برخی تحلیلگران معتقدند که این عملیات به منظور جلب رضایت راست گرایان دینی افراطی در رژیم صهیونیستی است که تهدید کرده بودند در صورت توقف جنگ در غزه از دولت خارج خواهند شد. (عرب ۲۳، ۲۵ ژانویه ۲۰۲۵)

فراتر از این، این عملیات گسترده موجب بازگشت به پیش زمینه نقشه الحاق کرانه باختری در شرایطی می شود که رئیس جمهور جدید آمریکا، ترامپ، دست رژیم صهیونیستی را در این منطقه باز گذاشته است. (بوابة الاهرام، ۲۵ ژانویه ۲۰۲۵)

نویسنده مقاله ای ترجمه شده از روزنامه نگار دیوید هرست منتشر کرده با عنوان «ترامپ دست تانیاهاور را در کرانه باختری باز می کند... و وعده های صلح در منطقه را نابود می کند» که در آن آمده است: «هم زمان با حمله مهاجمین به شهرک الفندق در حالی که ترامپ تحریم ها علیه تندترین گروه های افراطی شان را لغو کرده، می توان مشاهده کرد که (اسرائیل) جنگ را موقتاً در غزه متوقف کرده تا جهنم خود را به کرانه باختری منتقل کند... آیا واقعاً نشانه های دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ ظهور کرده است و آیا این وضعیت در آینده ادامه خواهد یافت؟»

این عملیات ارتش اسرائیل پس از عملیات جنایت کارانه ای که دولت دایتون علیه جنین و اردوگاه آن تحت عنوان «حفاظت از وطن» انجام داد، آغاز شده است. در این عملیات، نیروهای امنیتی دولت دایتون (اشاره به دولت محمود عباس) مشابه اقدامات رژیم اسرائیل، دست به کشتار، بازداشت، اخراج و تخریب زدند.

ای سر بازان پاکستان، مسئولیت خود را بشناسید و همچون فرزندان انصار باشید

امت در حال عبور از یک فرآیند تغییر است و در آستانه تغییر واقعی قرار دارد، اما به دلیل برنامه های ناتمام انقلاب رهنبری با دیدگاه محدود و توطئه های عوامل غرب، هنوز موفق به ایجاد این تغییر نشده است. تنها در پنج سال گذشته، افغانستان از اشغال مستقیم آمریکا آزاد شد، اما به دلیل دیدگاه محدود و توطئه هایی که توسط عوامل استعمارگران طراحی شده، مجاهدین قهرمان در محدوده دولت های ملی محصور شدند. در بنگلادش، دانشجویان و مردم نظام سکولار حسینیه را سرنگون کردند، اما انقلاب با حفظ نظام سکولار به هدر رفت. در سوریه، مجاهدین، دست نشاندۀ آمریکا بشار را شکست دادند، اما برای راضی کردن غرب و آمریکا، برنامه ای برای دولت مدنی ارائه شد که بر اساس ساختار فئودالی ظالمانه بوده و نقش اسلام را محدود کرد. مصر، اردن، پاکستان و ترکیه نیز در آستانه تغییر هستند. ای لشکریان پاکستان؛ مسئولیت خود را بشناسید، شما تنها سربازان یک دولت ملی نیستید، بلکه پیروان رسول الله ﷺ و حافظان امت هستید، تنها افسران شغلی نباشید، بلکه فرزندان انصار باشید. گروه کمی از انصار در بیعت عقبه دوم با پیامبر ﷺ بیعت کردند؛ بیعت جنگ، بیعت مردان، بیعت نصرت و جریان تاریخ را تغییر دادند. پیش بروید و نصرت خود را به حزب تحریر بدهید تا خلافت را شده بر اساس منهج نبوت را برپا کنید تا سلسله فتوحات از جایی که در قلب غرب متوقف شده، از سر گرفته شود.

چرا ترامپ دوباره جنبش انصارالله را به‌عنوان یک گروه تروریستی طبقه‌بندی کرد؟

استاد صادق الصراری ازولایت یمن

رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، مجدداً گروه حوثی ها را به‌عنوان «سازمان تروریستی خارجی» طبقه‌بندی کرد. کاخ سفید روز چهارشنبه، ۲۲ ژانویه ۲۰۲۵، اعلام کرد که رئیس‌جمهور آمریکا دستور اجرایی امضا کرده که گروه حوثی‌ها را «سازمان تروریستی خارجی» می‌داند. در این بیانیه آمده است که «فعالیت‌های حوثی‌ها تهدیدی برای امنیت غیرنظامیان و کارکنان آمریکایی در خاورمیانه، امنیت نزدیک‌ترین شرکای ما در منطقه و ثبات تجارت دریایی جهانی است». دستور اجرایی یادآور شده که حوثی‌ها «حملات زیادی به زیرساخت‌های غیرنظامی انجام داده‌اند، ازجمله چندین حمله به فرودگاه‌های غیرنظامی در عربستان» و همچنین «بیش از ۳۰۰ گلوله به سمت رژیم اسرائیل از اکتبر ۲۰۲۳ شلیک کرده‌اند». در برگه‌ای که کاخ سفید در سایت خود منتشر کرد، در خصوص بازطبقه‌بندی گروه حوثی‌ها به‌عنوان یک سازمان تروریستی خارجی، آمده است که ترامپ در روزهای آخر ریاست‌جمهوری‌اش در ژانویه ۲۰۲۱ این طبقه‌بندی را اعمال کرده بود و «در عرض یک ماه پس از روی کار آمدن، دولت بایدن این طبقه بندی را لغو کرد». این برگه بیان می‌کند که «نتیجه سیاست ضعیف دولت بایدن این بود که حوثی‌ها ده‌ها بار به سمت کشتی‌های جنگی نیروی دریایی آمریکا شلیک کردند و حملات زیادی به زیرساخت‌های غیرنظامی در کشورهای هم‌پیمان انجام دادند و بیش از ۱۰۰ بار به کشتی‌های تجاری که از تنگه باب‌المندب عبور می‌کنند، حمله کردند».

دولت حوثی‌ها در بیانیه‌ای که روز پنج‌شنبه منتشر شد، تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر بازطبقه‌بندی آن‌ها به‌عنوان «سازمان تروریستی خارجی» را محکوم کرد و در بیانیه خود تأکید کرد که تروریست واقعی آمریکا است که به همراه رژیم اسرائیل بیش از یک سال است که با استفاده از سلاح‌های پیشرفته و کشته و با پوشش سیاسی و رسانه‌ای، کودگان و زنان غزه را به قتل می‌رساند. دولت حوثی‌ها همچنین بیان کرد که «این تصمیم قدیمی-جدید هیچ کمکی به ثبات منطقه و تلاش‌های صلح که توسط سازمان ملل برای دستیابی به صلح عادلانه و شرافتمندانه برای مردم یمن صورت می‌گیرد، نمی‌کند» و از «آزادگان جهان» خواست تا تصمیم بازطبقه‌بندی را محکوم کنند که بر اساس موضع اصولی و شرافتمندانه مردم یمن در حمایت از برادران خود در غزه و تمام فلسطین گرفته شده است.

این بازطبقه‌بندی ازنظر کارشناسان، سخت‌ترین و شدیدترین نوع طبقه‌بندی است. دولت رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، جو بایدن، در ۱۷ ژانویه ۲۰۲۴، حوثی‌ها را در فهرست «تروریست‌های جهانی که به‌طور خاص طبقه‌بندی شده‌اند»، قرار داد. این طبقه‌بندی بیشتر بر روی منع دارایی‌ها و ممنوعیت معاملات مالی متمرکز است، به این معنا که جنبه اقتصادی دارد و توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا مدیریت می‌شود و برخی استثنائات مانند اجازه به کمک‌های انسان‌دوستانه در آن وجود دارد؛ اما طبقه‌بندی «سازمان‌های تروریستی خارجی»، شامل منع دارایی‌ها و ممنوعیت تمام انواع تعاملات مالی، شخصی و حتی ارائه تجربه‌های فنی، آموزش یا کمک است که حتی ممکن است شامل تماس با حوثی‌ها یا هر یک از اعضای گروه آن‌ها شود. این طبقه‌بندی مشابه ممنوعیت اقتصادی است و مجازات سنگینی بر کسانی که سعی در نقض این تحریم‌ها دارند، اعمال می‌شود.

وزیر خارجه در دولت جدید سوریه، اسعد شبیبانی، یک سفر دیپلماتیک به کشورهای عربی انجام داد و در این سفر از عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و اردن دیدار کرد. این سفر هم‌زمان با ورود هیئت‌های غربی و خارجی به دمشق بود که به‌طور روزانه در پایتخت سوریه فرود می‌آیند، ازجمله هیئت‌های آمریکایی، فرانسوی، آلمانی و دیگران. در رأس استقبال‌کنندگان این هیئت‌ها از طرف سوریه، رئیس جدید دولت سوریه، احمد الشرع، قرار داشت که چندین اجلاس مطبوعاتی برگزار کرد، ازجمله یک اجلاس مطبوعاتی با نخست‌وزیر لبنان، نجیب میقاتی که در تاریخ ۱۱ ژانویه ۲۰۲۵ به دمشق سفر کرد و وزیر خارجه ترکیه، هاکان فیدان که در تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۲۴ برگزار شد و دیگران.

دولت‌های غربی برای انتقال دستورات خود به دولت جدید سوریه واردشده‌اند و در این مذاکرات بر مسائل مختلفی مانند سکولار بودن دولت، حفظ حقوق اقلیت‌ها و حقوق زنان، مبارزه با تروریسم و گروه های تروریستی تأکید شده است. همچنین هیئت‌ها، به‌ویژه هیئت آمریکایی، بر عدم انتقال درگیری مسلحانه به خارج از مرزهای سوریه تأکید کردند که به‌وضوح اشاره‌ای به تضمین امنیت رژیم اسرائیل داشت. پاسخ احمد الشرع در خصوص این موضوع در مصاحبه‌ای با روزنامه نیویورکتایمز در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۲۴ چنین بود: «ما به توافق‌نامه ۱۹۷۴ با اسرائیل پایبند هستیم.» توافق‌نامه ۱۹۷۴ میان سوریه و اسرائیل پس از جنگ ۶ اکتبر ۱۹۷۳ به امضا رسید تا نیروهای درگیر را از هم جدا کرده و درگیری‌ها را متوقف کند.

اظهارات مقامات غربی به‌طور مداوم همراه با برتری جویی، تحمیل شروط و باج‌گیری سیاسی بوده است. به‌عنوان‌مثال، وزیر خارجه آلمان اعلام کرده است که کشورش از ساختارهای اسلامی حمایت نخواهد کرد، اشاره‌ای به این‌که از نظام اسلامی حمایت نمی‌کند و تنها در صورتی‌که نظام سکولار را بپذیرد، از حمایت مالی یا مشروعیت سیاسی برخوردار خواهد شد. درحالی‌که مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند که آن‌ها منتظر اقداماتی هستند و تنها به سخنان دولت کنونی اکتفا نمی‌کنند، گویی که خود را سرپرست ما می‌دانند.

هیچ واکنش تندی از سوی دولت جدید در برابر این اظهارات صادر نشده است، بلکه خواسته آن‌ها لغو تحریم‌هایی بود که از سوی نظام بین‌المللی پس از جنایات و کشتارهای رژیم اسد علیه مردم سوریه وضع‌شده و همچنان اعمال می‌شود.

درحالی‌که خواسته‌های کشورهای عربی بیشتر بر وحدت دولت سوریه، حفظ مرزهای ملی و ترسیم آن ها و تأمین امنیت این مرزها متمرکز بود. این مسئله از سوی عراق، اردن و لبنان تأکید شد و به‌ویژه بر جلوگیری از عملیات قاچاق در این مرزها تأکید شد. در مورد شکل نظام حکومتی، وزیر امور خارجه سوریه در دولت موقت، اسعد شبیبانی، اظهار داشت که در دیدار خود از عربستان سعودی، چشم‌انداز ملی را منتقل کرده است که شامل تأسیس دولتی است که بر اساس مشارکت و کارایی بناشده و تمام اجزای کشور را در برگیرد.

زن، ستون حمایت از اسلام و وظیفه‌اش امروز همانند گذشته

استاد غاده عبد الجبار (ام اواب) – ولایت سودان

در الطبقات الکبری از ابن سعد آمده است که نصرهٔ نسبیه بنت کعب رضی‌الله‌عنها در بیعهٔ العقیبه الثانیة حضور داشت، علیرغم اینکه خروج به‌سوی آنجا با خطراتی همراه بود. مشرکان جاسوسانی را در اطراف می فرستادند تا حرکات پیامبرﷺ را رصد کرده و او را از ملاقات با هیئت‌هایی که به مناسبت موسم حج به مکه می‌آمدند، بازدارند. ام‌عماره در این‌باره می‌گوید: «در شب بیعت با پیامبرﷺ در بیعت عقبه حضور داشتیم و با مردم آن شب بیعت کردم.» همچنین او در بیعت رضوان و عمره قضا حضور داشت. ام‌عماره در جنگ احد نقشی بزرگ ایفا کرد. او در دفاع از پرچم اسلام، فداکاری‌های زیادی ازجمله فدای جان و مال خود داشت و در زمین جنگ مشغول خدمت به مهاجران، درمان مجروحان و دادن آب به آن‌ها بود. در روایت ابن سعد آمده است که پیامبرﷺ فرمود: «مقام نسبیه بنت کعب امروز از مقام فلان و فلان بهتر است.»

زنان مسلمان در راه خدا آزار و اذیت‌ها را تحمل کردند و به‌این‌ترتیب سپهری محکم برای دعوت اسلام شدند. آن‌ها باوجود سختی و چالش‌ها از پیشرفت دعوت بازنگشتند و در راه دین خدا دست از تلاش برنداشتند. ازجمله این زنان، سمیهٔ بنت‌ الخياط، همسر یاسر و مادر عمار بود که همچنان که در راه خدا صبر و استقامت نشان دادند، رسول‌اللهﷺ به آن‌ها وعده بهشت داد به دلیل آنچه که در راه خدا از آزار دیدند. جابر بن عبدالله رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: «رسول‌اللهﷺ از کنار عمار و خانواده‌اش که تحت عذاب بودند، عبور کرد و گفت: صبر کنید ای آل یاسر، وعده‌تان بهشت است.»

مدیریت جدید سوریه: بین استقلال تصمیم‌گیری و خطر تسلیم در برابر دیکته‌های خارجی

استاد احمد الصورانی

هرکسی که به‌دقت اظهارات دولت جدید سوریه، چه از طرف رهبر آن احمد الشرع و چه وزیر خارجه آن شبیبانی را بررسی کند، به‌وضوح می‌بیند که آن‌ها تلاش دارند تا تمامی کشورها را راضی کنند تا از نظام بین‌المللی به رسمیت شناخته شوند. درحالی‌که آنچه موردنیاز است، موضعی مستقل است که از شرع خداوند نشأت گرفته و بر اساس اصول انقلابی که اهل شام پذیرفته‌اند، استوار باشد، هرچند که این کشورها که کمتر از یک ماه پیش در تلاش بودند تا همان نظامی را بازسازی کنند که در خون مردم شام غرق‌شده، کشور را ویران کرده، زندان‌ها را پرکرده و مدتها هزار نفر را کشته و میلیون ها نفر را آواره کرده است. دولت جدید نباید این حقایق را فراموش کند.

خضوع در برابر دستورات کشورهای خارجی و تلاش برای راضی کردن آن‌ها نهتنها به نفع دولت جدید و اهل شام نیست، بلکه وضعیت سلطه غربی بر کشور را تحکیم کرده و سوریه را به دولتی تابع برای استعمار غربی تبدیل می‌کند، همان‌طور که در دوران رژیم اسد چنین بود. نتیجه این خضوع و تلاش برای راضی کردن دیگران، بیشتر از این خواهد بود جز سازش‌ها و ضعف و ذلت بیشتر.

دولت جدید باید ابتدا موضعی قاطع و جدی نسبت به شورش‌های موجود در مناطقی همچون مناطق قسد، مناطق دروزی در السویدا و یا بقیایای رژیم در سواحل اتخاذ کند و در هر جایی از خاک سوریه که چنین وضعیتی وجود دارد، اقدام کند. دوم اینکه باید موضعی روشن در برابر دخالت کشورهای خارجی و تلاش آن‌ها برای تحمیل سکولار بودن کشور و تحمیل وضعیت سلطه و وابستگی بر کسانی که امور اهل شام را در دست گرفته‌اند، داشته باشد.

بر دولت جدید واجب است که از خداوند بترسد و به ریسمان او چنگ زند و تمامی ارتباطات خود با کشورهای دیگر را قطع کند. این کار راه‌گشایی برای همه مشکلات برای کشور به ارمغان می‌آورد که باعث شکوفایی اقتصاد کشور خواهد شد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهٗ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ عَلَىٰ إِلَهٍ فَهٗوَ حَسْبُهٗ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهٖ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.»

نظام اسلام و راهل‌های آن می‌تواند مشکلات مردم را حل کند؛ چه مسلمان باشند و چه کافر و این همان چیزی است که رفاه و زندگی شایسته‌ای را برای همه رعیت به ارمغان می‌آورد. بر دولت جدید واجب است که مواضع خود را بر اساس اصول شرع خداوند تنظیم کند و به دنبال جلب رضایت کشورهای غربی نباشد، چرا که رضایت آنان تنها با غضب خداوند به دست می‌آید.

در این راستا، حزب تحریر پروژه‌ای برای تدوین یک قانون اساسی اسلامی آماده کرده است که در آن تمامی جنبه‌های زندگی موردتوجه قرارگرفته است. این مواد از منابع معتبر شرعی استخراج‌شده و هیچ منبع دیگری ندارد. به همین دلیل ما به هر کسی که بخواهد شرع خداوند را در جامعه پیاده کند، تومیه می‌کنیم که به آن توجه کرده و در راستای اجرای آن گام بردارد. باید به یقین برسیم که نجات از مکر دشمنان و رسیدن به عزت و کامیابی در دنیا و آخرت، تنها با اجرای پروژه اسلام به دست می‌آید. اسلام است که امت اسلامی را یکپارچه می‌سازد و مجد و عظمت آن را بازمی‌گرداند تا پیامی از هدایت و نور برای نجات بشر به همراه داشته باشد.

چرا مسلمانان احکام دین خود را برای حل مشکلات اقتصادی‌شان به کار نمی گیرند؟

اگر غیرمسلمان‌ها از طریق تجربه به این نتیجه رسیده اند که تشریح اسلامی راه‌حل نظام سوداگری‌های ساختگی در بسیاری از اوراق بهادار و اسناد ملکی است که در آن‌ها پول تبدیل به کالای جامدی می‌شود که خریدوفروش می‌شود بدون اینکه وارد فرآیندهای تولید ملموس مانند احیای اراضی کشاورزی و ایجاد کارخانه‌ها شود و به این نتیجه رسیدند که نظام اقتصاد اسلامی مدل مناسبی برای حل بحران‌ها است، پس چرا مسلمانان خود از دینشان برای حل مشکلات اقتصادی شان استفاده نمی‌کنند و بر نظامی پافشاری می‌کنند که خود اهل آن از آن دست کشیده‌اند و به دنبال جایگزین می‌گردند؟! اقتصاد در نظام اسلام دارای سیستمی از مالکیت‌ها است که نظام‌های وضعی سرمایه‌داری از آن عاجزند. اسلام پول را در میان مردم در جریان قرار می دهد نهنها از طریق کار، بلکه با در نظر گرفتن مالکیت عمومی، مالکیت دولتی و مالکیت فردی. اسلام در سیستم و به همکاری و تولید مفید تأکید دارد و از بهره‌برداری از انسان‌ها یا سو، استفاده از نیاز یکدیگر جلوگیری می کند. همچنین، پول باید منبعی برای چرخه تولید و ادامه زندگی باشد، نه اینکه تبدیل به کالای مستقلی برای خریدوفروش شود. نظام اقتصادی اسلام بسیار فراتر از آن است که تنها یک طرح فکری مجرد باشد؛ بلکه با توجه به دیگر نظام‌های اسلامی، این یک پروژه برای احیای امت است که فرزندان مسلمان با تلاش و فداکاری شبانه‌روزی بر آن کار می‌کنند تا نظم زندگی را دوباره به حالت اول بازگردانند و جهان را از چنگال سرمایه‌داری نجات دهند.

یک تصویر از یک زن مسلمان در یک بازار در یک شهر در سودان